

ایجاد تاب آوری اجتماعی در جوامع آسیب دیده از بلایای طبیعی

گردآوری و ترجمه: فاطمه محمدی_مددکار اجتماعی

www.iraniansocialworkers.ir

ایجاد تاب آوری اجتماعی

محافظت از کسانی که بیشتر در معرض خطرند و توانمندسازی آنها نویسندگان: مارگارت آرنولد و سرجیو د کازمو

برای تقویت تاب آوری فاجعه و تاب آوری اقلیمی چه باید کرد؟

اثر بانک جهانی (بنسون و همکاران، ۲۰۱۲، آرنولد و همکاران، ۲۰۱۴) **تاب آوری** را به عنوان توانایی مقاومت در برابر، بازیابی از، و سازماندهی مجدد در پاسخ به بحران تعریف میکند به طوری که همه اعضای جامعه بتوانند پیشرفت کنند و یا توانایی پیشرفت و رشد را حفظ کنند. همان اثر چندین حوزه مهم را برای اقدام مشخص می کند:

- حمایت از رویکردهای مبتنی بر جامعه که جوامع را توانمند می سازد تا دستورالعمل های کاهش خطر اقلیمی را برای حمایت از اهداف توسعه خود بکار گیرند.
- ترویج مشارکت شهروندی به عنوان یک شکلی از بازخورد تنظیمی، مثلا از طریق ایجاد ظرفیت در رویکردهای مشارکتی برای مدیریت ریسک، یا اقدامات برای افزایش پاسخگویی اجتماعی در استفاده از امور مالی دولتی برای مدیریت بحران و مدیریت ریسک.

- حمایت از جوامع برای متنوع کردن گزینه های معیشتی و عقب ماندگی، از قبیل بازگشت به معیشتی که کمتر حساس به اقلیم و یا سایر اشکال خطر است.
- درک ابعاد جنسیتی بلایا و توانمند سازی زنان به عنوان رهبران تاب‌آوری.

بخش های زیر مکانیسم های عملی را که می‌تواند برای هر یک از این اهداف مفید باشد، مورد بررسی قرار می‌دهد.

توانمندسازی جوامع و ترویج مشارکت شهروندی

نیاز به درگیر کردن جوامع در مدیریت فاجعه و خطرات آب و هوایی به طور گسترده ای مهم شناخته شده است. با این حال، مهم است که در مورد ویژگی های خاص مشارکت جامعه صریح بود، که بتواند به طور موثر به تقویت تاب‌آوری آنها نسبت به شوک ها کمک کند. "مشارکت" جوامع می‌تواند اشکال بسیاری داشته باشد، از قبیل اطمینان حاصل نمودن از اینکه ذینفعان پروژه کاملا مطلع هستند؛ سازماندهی مشاوره هایی با جامعه درباره طرح های پروژه؛ یا ارائه کنترل تصمیمات سرمایه گذاری و اجرای پروژه برای جوامع تحت تاثیر.

برای اطمینان از ایجاد تاب‌آوری موثر، مداخلات مدیریت فاجعه و توسعه باید فراتر از مشورت با جوامع برای ایجاد مشارکت معنادار بین جوامع و دولت هایشان باشد. برنامه هایی براساس تجارب زندگی جوامع فقیر، می‌توانند بر پایه دانش محلی طراحی شود و اولویت های محلی را مخاطب قرار دهد.

تعدادی از ابتکارات وجود دارند که مزایای در نظر گرفتن جوامع را به عنوان شرکای برابر با تخصص و تجربه در ایجاد تاب‌آوری به جای آنکه صرفا بهره مند از پروژه باشند، نشان می‌دهد. در گواتمالا و هندوراس، Fundación de

Guatemala و Comité de Redes de Honduras از گروه های زنان روستایی برای مشارکت مؤثر در همکاری با مقامات محلی و ملی برای ایجاد و افزایش راهکارهایی جهت کاهش آسیبپذیری ها در برابر فاجعه و تغییرات آب و هوایی در جوامع شان حمایت کردند. این پروژه همچنین از یادگیری همکاره همکاران حمایت کرد تا جوامع بتوانند راهبردها را درکشورها به اشتراک بگذارند.

سپس تمرکز پروژه به سوی تقویت همکاری با مقامات محلی و درگیر کردن مقامات محلی و ملی در مشارکت مؤثر در افزایش راه حل های کاهش خطر تغییر کرد. این به اذعان رسمی نقش عمومی گروه های مردمی و زنان روستایی در برنامه های تابآوری منجر شد. چندین عضو به عنوان مدیران توسعه در کاهش خطرات فاجعه توسط سازمان های مدیریت ملی فاجعه مربوطه در دو کشور تایید شدند (رودریگوس بالدیزون^۲، ۲۰۱۳). زنان مقامات محلی را در مورد چگونگی همکاری با گروه های اجتماعی برای سازماندهی برای بهبود ایمنی و کیفیت زندگی در جوامع پر خطر آموزش دادند. در نتیجه این همکاری، گروه های زنان هندوراس و گواتمالا روشی را ایجاد کرده اند که به شهرداران و مقامات محلی یاد داد که چگونه چارچوب عملی هیوگو را در سرزمین های محلی خود اجرا کنند و همچنین چگونه شهرداری خود را به عنوان یک شهر تابآور در کمپین شهرهای تابآور UNISDR با مشارکت واقعی گروه های زنان و دیگر سازمان های محلی مردمی با انگیزه های قوی برای همکاری برای کاهش خطر و آسیب پذیری راه اندازی کنند. این دو نمونه آمریکای مرکزی نشان می دهند که با شناخت و رسمیت دادن نقش جوامع محلی با مقامات محلی و ملی، شیوه های محلی و تخصص می

1 . peer-to-peer learning

2 . Rodriguez Baldizón

تواند به توسعه سیاست های سیاست گذاری و برنامه ریزی در سطوح بالاتر کمک کند.

افزایش تلاش های سطح جامعه در جهت تقویت تاب آوری در برابر فاجعه و اقلیم یک چالش است. با این حال، بازبینی نمونه کارهای بانک جهانی از پروژه های مبتنی بر جامعه، رویکردی را آشکار می سازد که وعده های بزرگی در ارتقای تاب آوری جامعه در برابر فاجعه و تغییرات اقلیمی می دهد. توسعه جامعه مدار بر تصمیمات برنامه ریزی و منابع سرمایه گذاری در گروه های اجتماعی و دولت های محلی کنترل ایجاد می کند در حالی که در عین حال به ایجاد ارتباط بین جوامع و دولت ها کمک می کند. بیش از ۱۰۵ کشور پروژه هایی را با رویکرد مبتنی بر جامعه انجام داده اند. در طول دهه گذشته، چنین برنامه هایی به یک راهبرد عملیاتی کلیدی تبدیل شده اند برای دولت های ملی و همچنین بسیاری از سازمان های کمک بین المللی برای ارائه خدمات و به عنوان راهی برای ارتقای رویکردهای توسعه پایین به بالا در جایگاه سیستم های موجود کار نمی کنند.

با بهره گیری از دانش و مهارت های کنشگران اجتماعی، یک رویکرد توسعه مبتنی بر جامعه، استرس های کمتری را بر سازمان های دولتی وارد می کند و در عین حال قادر به دستیابی به تعداد بسیار زیادی از مردم فقیر است. با استفاده از رویکرد توسعه مبتنی بر جامعه، ادارات یا برنامه های دولتی کمک هزینه ها را به سوی جوامع برای پروژه های توسعه کوچک هدایت می کنند. پروژه ها معمولاً ترکیبی از زیرساخت های اجتماعی- اقتصادی (به عنوان مثال، ساخت یا بازسازی مدارس، سیستم های تامین آب و جاده ها)، سرمایه گذاری های تولیدی (مثلاً پروژه های کوچک و پروژه های تولید درآمد)، خدمات اجتماعی (مثلاً حمایت از کمپینهای تغذیه، برنامه های سواد آموزی و آموزش جوانان

و حمایت از افراد مسن و معلول) و یا برنامه های ظرفیت سازی (برای مثال آموزش برای دولت های مدنی و محلی) را تامین بودجه می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۰۹).

در حالی که پروژه های توسعه مبتنی بر جامعه اغلب به عنوان عملیات های کوچک در خارج از سیستم های رسمی دولتی کار می‌کنند، نسل های دوم و سوم این برنامه ها اغلب به سطح منطقه ای یا ملی تمایل دارند. به عنوان مثال، اندونزی بزرگترین برنامه در حال توسعه مبتنی بر جامعه را دارد که در بیش از ۶۰۰۰۰ روستا در سراسر کشور فعالیت می‌کند. یک برنامه در فیلیپین در حدود ۱۱۸ میلیون دلار آمریکا در ۵۳۲۶ پروژه اجتماعی در فقیرترین استان ها و شهرداری ها سرمایه گذاری کرده است؛ این برنامه حدود ۱۰ میلیون فقیر روستایی را در بر می‌گیرد و به سطح ملی گسترش می‌یابد. در نیجریه، مرحله سوم پروژه ملی فداما تمام ۳۷ ایالت کشور را پوشش می‌دهد که حدود ۲،۲ میلیون خانوار یا حدود ۱۶ میلیون نفر از آنها نفع می‌برند (آرنولد و همکاران، ۲۰۱۴).

برنامه های توسعه ای مبتنی بر جامعه، در حالی که همیشه هدف خاص طراحی پروژه نیستند، پاسخ های کارآمدی به فاجعه و حمایت از بازیابی و همچنین کمک های قابل توجهی را برای کاهش خطرات فاجعه ارائه می‌دهند (پارکر، ۲۰۰۶). زمانی که برنامه های توسعه مبتنی بر جامعه از قبل در مکان هایی که یک فاجعه طبیعی اتفاق افتاده، اعمال شود، حضور زمینه ای آنها باعث پاسخ سریع و انعطاف پذیر به نیازهای اضطراری محلی می‌شود. استفاده از زیرساخت های انکشاف مبتنی بر جامعه - به عنوان مثال کمیته های روستایی و پروسه های جریان منابع و اجرای پروژه ها - کاملاً برای ارائه در شرایط اضطراری سازگار هستند. بررسی بانک جهانی درباره برنامه های توسعه مبتنی بر جامعه

(وانگ، ۲۰۱۲) نشان داد که در حالی که پنج کشور در اجرای برنامه‌های توسعه‌ی محلی خود در هنگام فاجعه دارای موانع بودند، چندین برنامه دایر قادر به خدمت‌رسانی به عنوان شبکه‌های ایمنی اجتماعی در شرایط اضطراری بودند. در ماداگاسکار، پروژه صندوق توسعه جامعه از برنامه‌های توسعه اجتماعی، پروژه‌های کارهای عمومی کوچک و ظرفیت‌سازی انجمن‌ها و مقامات محلی حمایت می‌کند. هنگامی که در سال ۲۰۰۴ در کشور طوفان شد، طرح مشارکتی محلی از واحد اجرایی پروژه بزرگتر که قبلاً تاسیس شده بود به عنوان وسیله‌ای برای واکنش اضطراری، از جمله توزیع مکمل‌های غذایی و سایر تدارکات برای زنان باردار و شیرده و کودکان زیر پنج سال خدمت کرد (آرنولد و همکاران، ۲۰۱۴). در کشورهای در معرض خطر، برنامه‌های موفق توسعه پایدار مبتنی بر جامعه، باعث تکامل از یک رویکرد مدیریت ریسک انفعالی به یک رویکرد پیشگیرانه شده‌اند. در موارد متعددی، برنامه‌های در حال اجرا به واکنش اضطراری و مکانیسم‌های بازیابی واقعی تبدیل شده‌اند. در این برنامه‌ها، تلاش‌های صریحی برای تلفیق کاهش ریسک فاجعه در تلاش‌های بازسازی صورت گرفت و در بعضی موارد ابتکارهایی برای ادغام رویکرد مدیریت ریسک پیشگیرانه در برابر خطرات طبیعی و همچنین تغییرات آب و هوایی بلندمدت وجود داشت. هنگامی که بنگلادش در سال ۲۰۰۷ توسط طوفان سیدر^۳ و در سال ۲۰۰۹ توسط طوفان ایلا^۴ تحت تاثیر قرار گرفت، اولین مرحله پروژه توانمندسازی و معیشتی که در سال ۲۰۰۳ آغاز شد، حمایت مؤثری را فراهم کرد. در سال ۲۰۱۲، با استفاده از این تجربه، مرحله دوم پروژه، آسیب‌پذیری نسبت به مخاطرات طبیعی را در طراحی پروژه در نظر گرفت (آرنولد و همکاران، ۲۰۱۴).

^۳ . Cyclone Sidr

^۴ . Cyclone Aila

نمونه‌های اخیر پتانسیل استفاده از رویکردهای توسعه مبتنی بر جامعه برای هدایت تأمین مالی سازگاری آب و هوایی را برای جوامع آسیب‌پذیر نشان می‌دهند. به عنوان مثال، مرحله دوم پروژه آزمایشی تاب‌آوری اقلیمی (PPCR) در زامبیا کمک‌های کمی را برای حمایت از انطباق مشارکتی در سطح جامعه، بخش و ایالت فراهم می‌کند. جوامع روستایی در زامبیا وابسته به کشاورزی بارانی و منابع طبیعی برای معیشت‌شان هستند و به طور روزافزونی در معرض خشکسالی و سیل قرار می‌گیرند. این پروژه سازمانهای غیر دولتی (NGO) برقرار را برای همکاری با جوامع آسیب‌پذیر و یا گروه‌های کشاورزان برای شناسایی اولویتهای انطباق محلی و توسعه برنامه‌های تاب‌آور در برابر شرایط آب و هوایی مشارکت می‌دهد. سازمان‌های غیردولتی با رهبران سنتی و همچنین کارکنان فنی در سطح منطقه همکاری نزدیکی دارند تا میزان مواجهه جامعه و آسیب‌پذیری در برابر بلایای مربوط به آب و هوا و روندهای آب و هوایی درازمدت را ارزیابی نمایند. فرآیند برنامه‌ریزی، آسیب‌پذیری‌های مختلف تجربه شده توسط افراد در طبقه‌بندی بر اساس سطح درآمد، جنسیت، سن و گروه قومی را در نظر می‌گیرد. هدف این پروژه ایجاد "فرآیندهای سازگاری" است که به موجب آن گروه‌های اجتماعی می‌توانند به صورت دوره‌ای آسیب‌پذیری خود را ارزیابی کنند، یاد بگیرند تا خود را ارزیابی کنند و در نتیجه سرمایه‌گذاری‌های حمایت‌شده توسط کمک‌های فرعی را تنظیم کنند. پتانسیل بالایی برای برنامه‌های توسعه مبتنی بر جامعه وجود دارد تا به عنوان یک آزمایشگاه مهم برای مطالعه شاخص‌ها و اثرات تلاش‌های ایجاد تاب‌آوری خدمت کنند.

پروژه‌های توسعه مبتنی بر جامعه، یک طرح عمومی برای توانمندسازی جامعه و کاهش فقر فراهم می‌کنند و در دهه

گذشته سرمایه گذاری های قابل توجهی نیز در زمینه کمک به جوامع برای مقابله با خطرات فاجعه و آب و هوا انجام داده اند. آنها توانایی خود را برای ارائه پاسخ های موثر و سریع در شرایط اضطراری فاجعه نشان داده اند، بعلاوه تاثیر مثبتی بر کاهش فقر و ارائه خدمات نیز داشته اند. ویژگی های متعددی از رویکرد توسعه مبتنی بر جامعه وجود دارد که خود را وقف حمایت از ایجاد تاب‌آوری کرده‌اند، از جمله توانایی پیوند جوامع با مقامات محلی و ملی؛ رویکردهای انعطاف پذیری که می‌توانند مناسب بافت محلی و نیازهای متغیر طراحی شوند؛ و توانایی برای رفع علل اساسی آسیب پذیری علاوه بر مداخلات خاص برای مدیریت ریسک فاجعه و ریسک اقلیمی. شاید مهمترین برنامه های توسعه مبتنی بر جامعه توانایی دستیابی مستقیم به تعداد زیادی از افراد فقیر را داشته باشند که به دولت اجازه می‌دهد تا در مقیاس مورد نیاز در بافت افزایش خطر فاجعه و تغییرات اقلیمی کار کند.

حفاظت از معیشت و بهبود گزینه های احتمالی

حفاظت اجتماعی یک ابزار مهم دیگر برای دسترسی مستقیم به میلیون ها نفر از افراد فقیر در معرض خطر روزافزون فاجعه فراهم می‌کند. برنامه های حفاظت اجتماعی مداخله های عمومی هستند که هدف آنها حمایت از اعضای فقیر و آسیب پذیرتر جامعه و همچنین کمک به افراد، خانواده ها و جوامع، برای کنترل شوک ها است. حفاظت اجتماعی شامل شبکه های ایمنی (انتقالهای بدون مشارکت مانند انتقال پول نقد، برنامه های تغذیه مدرسه، کمک غذایی، و یارانه ها) و بیمه های اجتماعی (از قبیل بازنشستگی، حقوق بازنشستگی، حقوق از کارافتادگی و بیمه بیکاری) است.

بسیاری از دولت ها و سازمان های توسعه ای در برنامه های حفاظت اجتماعی برای مقابله با اهداف کاهش فقر سرمایه گذاری می‌کنند. میانگین سالیانه تعهد بانک جهانی برای شبکه های ایمنی اجتماعی در طی سالهای ۲۰۰۷-۲۰۱۳ ۱,۷۲ میلیارد دلار بوده است که افزایش سه برابری از ۵۶۷ میلیون دلار در سال در طول سالهای مالی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ داشته است. از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳، بانک جهانی مجموعاً ۱۲ میلیارد دلار برای ۲۷۳ پروژه های شبکه ایمنی اجتماعی در ۹۳ کشور را تصویب کرده است.

رویکردهای حفاظت اجتماعی از یک رویکرد نسبتاً محدود در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ که بر ارائه شبکه های ایمنی، گاهی اوقات بسیار گران قیمت، تنها پس از طیف گسترده ای از شوک ها، از جمله بلایای طبیعی متمرکز بود (نیوشام و همکاران، ۲۰۱۱) به طیف گسترده ای از ابزارهایی که با هدف کاهش آسیب پذیری گروه های فقیر، آسیب پذیر و حاشیه نشین قبل از اینکه چنین شوک هایی رخ دهد تکامل یافته است. امروزه رویکرد حفاظت اجتماعی شامل موارد زیر است:

- اقدامات حفاظتی برای تسکین؛
- اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از آسیب رساندن به استراتژی های مقابله ای
- اقدامات ترویجی به منظور افزایش تاب‌آوری؛ و،
- اقدامات اصلاحی برای مبارزه با تبعیض که مبتنی بر آسیب پذیری اجتماعی و سیاسی است (دیویس^۵ و همکاران، ۲۰۰۸).

تلاش های جدیدی با تمرکز بر ارتباط بین حفاظت اجتماعی، مدیریت ریسک فاجعه و سازگاری با تغییرات آب و هوایی در حال ظهور است. علاوه بر این، این تلاش ها طرفدار

⁵. Davies

نیاز به تمرکز بیشتر بر ابعاد اجتماعی تغییرات آب و هوایی و آسیب پذیری مرتبط هستند (مثلا نیوشام و همکاران، ۲۰۱۱؛ کوریاکوز و همکاران، ۲۰۱۲؛ هتلبرگ و همکاران، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰). ابزارهای مربوط به حفاظت اجتماعی عبارتند از بودجه اجتماعی برای کمک به سازگاری با شرایط اقلیمی مبتنی بر جامعه، برنامه های شبکه امنیتی اجتماعی برای مقابله با فاجعه، برنامه های معیشتی، تامین مالی خرد برای مدیریت ریسک و مصرف صحیح، و بیمه مبتنی بر شاخص مبتنی بر وضعیت آب و هوا برای پوشش خطرات مرتبط با آزمایش انواع جدیدی از شیوه های کشاورزی که بالقوه می توانند درآمد کشاورزان را افزایش دهند (هتلبرگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۱۰).

تضمین تاب آوری؟

بیمه و سایر محصولات انتقال خطر فاجعه به طور فزاینده ای به عنوان ابزار کلیدی برای تامین مالی مدیریت ریسک فاجعه، سازگاری با تغییرات اقلیمی و تلاش های حفاظت اجتماعی شناخته می شوند. در حالی که بیمه جبران خسارت سنتی برای فقرا غیر قابل دسترس است، تعدادی از برنامه ها در سال های اخیر استفاده از بیمه شاخص را مورد آزمایش قرار داده اند. با پرداخت بر اساس یک معیار مستقل، مانند مقدار مشخصی از کسری یا فزونی بارندگی (عامل)، بیمه شاخص ضرورت ارزیابی خسارات تک تک خانوارها را حذف می کند. بنابراین هزینه های اداری کاهش می یابد، بیمه را مقرون به صرفه تر می کند، و پرداخت ها سریعتر می شود، و به افراد تحت تاثیر اجازه می دهد تا سریعتر بهبود یابند.

همانند شبکه های ایمنی، پرداخت های بیمه به خانوارها اجازه می دهد از مکانیزم های مقابله ای منفی مانند کاهش

مصرف یا فروش دارایی های تولیدی اجتناب کنند. طرفداران بیمه شاخص ادعا می‌کنند که آن می‌تواند به سرمایه گذاری تولیدی کمک کند و انگیزه های لازم برای کاهش خطر را پیش از وقوع حوادث فراهم کند. محصولات بیمه نیز جذاب هستند چراکه آنها منابع مالی کمیاب را برای خانوارهای فقیرتر تحت تأثیر فاجعه هدایت می‌کنند در حالی که هزینه های مرتبط با آن را در طول زمان پخش می‌کنند. علاوه بر این، محصولات بیمه می‌تواند به طور بالقوه بار مالی پاسخ های فاجعه ای به دولت را، با پخش کردن هزینه ها در طول زمان و استفاده از تامین مالی بخش خصوصی کاهش دهد.

تا به امروز، بیش از ۴۰ برنامه بیمه شاخص آغاز شده است، اما تجزیه و تحلیل مبتنی بر شواهد بسیار کمی وجود داشته است برای تعیین اینکه چگونه این ابزار به فقیران برای مدیریت ریسک کمک می‌کنند. بانک جهانی مطالعه‌ای از چهار برنامه در حال اجرای بیمه شاخص در کشورهای در حال توسعه انجام داد: برنامه های در اتیوپی، هند و مکزیک که بیمه مبتنی بر شاخص بارندگی را به کشاورزان ساکن در مناطقی که به شدت در معرض خشکسالی و سیل قرار دارند، ارائه می‌کنند؛ و یک برنامه در مغولستان که خسارات به احشام رمه داران را در طول زمستان های شدید بیمه می‌کند. این برنامه ها در هند، مکزیک و مغولستان به ترتیب در ۱۹۹، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶ آغاز شد. آنها از طولانی ترین برنامه های در حال اجرا و کاربردهای قابل رویت از رویکردهای مبتنی بر شاخص‌های انتقال ریسک کشاورزی و دامداری رسمی در یک کشور در حال توسعه هستند.

شواهد حاصل از مطالعات موردی تصدیق کردند که بیمه شاخص به فقیران نمی‌رسد. علیرغم استفاده از یارانه ها، تهیه بیمه‌ها همچنان یک مسئله است. عوامل دیگر عبارتند از عدم اعتماد به سیستم های بیمه، سواد مالی و پیچیدگی

نسبی محصولات فردی. موردها همچنین نشان دادند که بیمه شاخص می‌تواند به پایداری و مقیاس منطقه‌ای یا ملی دست یابد، اما آن یک سرمایه‌گذاری طولانی مدت و پر هزینه است. دو برنامه بزرگ، آنهایی که در هند و مکزیک بودند، سالها طول کشید تا توسعه یابند و آنها به تکامل خود ادامه دادند تا به اهداف خود برسند. علاوه بر این، اگر یارانه‌های دولتی و کمک‌کننده کاهش یابند، احتمالاً این برنامه‌ها سقوط خواهند کرد.

مطالعات موردی تفاوت‌های قابل توجهی را در نتایج رفاه ناشی از پرداخت بیمه نشان دادند. در مکزیک، برخی از خانوارهای دارای سطح فقر متوسط توانستند بالاتر از خط فقر باقی بمانند. با این حال، در مصرف مواد غذایی در موارد اتیوپی و هند هیچ تفاوتی مشاهده نشد و در مورد مکزیک تنها نشانه‌هایی وجود دارد که خانوارها به لطف پرداخت‌ها مصرف مواد غذایی را کاهش نمی‌دهند. مطالعه قادر به تعیین این نبود که آیا حمایت از محصولات بیمه شاخص استفاده مقرون به صرفه از بودجه عمومی در مقایسه با دیگر ریسک‌های مدیریت بحران و سرمایه‌گذاری‌های حمایت اجتماعی ارائه می‌کند یا نه. این مطالعه به این نتیجه می‌رسد که در حالی که بیمه شاخص یک راه حل "مستقل" برای کمک به خانواده‌های فقیر برای مدیریت ریسک نیست، می‌تواند در کنار دیگر برنامه‌های اشتراک‌گذاری ریسک جامعه یا برنامه‌های امنیت ملی کار کند، همانطور که در مورد اتیوپی و مکزیک این گونه بود.

منبع: آرنولد و همکاران، ۲۰۱۳. تضمین تاب‌آوری: شواهد

چه به ما می‌گویند؟ بانک جهانی.

برنامه ایمنی تولیدی اتیوپی^۶ (PSNP) و برنامه معیشتی چارز بنگلادش (CLP) نمونه هایی خوبی از ادغام اقدامات مدیریت ریسک شرایط اقلیمی و پیش از فاجعه در برنامه های ایمنی را ارائه می دهند. برنامه PSNP یک برنامه بزرگ ملی امنیت اجتماعی است که به ناامنی مزمن مواد غذایی و تأثیرات کوتاه مدت (عمدتاً خشکسالی) در میان فقیران اتیوپی پاسخ می دهد. این برنامه یک مدل عملی ارائه می کند از اینکه چگونه شبکه های ایمنی می توانند برای پاسخگویی به نیازهای حمایت اجتماعی آسیب پذیرترین افراد طراحی شوند، در حالی که همزمان خطرات ناشی از فاجعه و شرایط آب و هوایی را کاهش می دهد. ویژگی های کلیدی برنامه PSNP عبارتند از: فعالیت های کارهای عمومی جهت ارتقاء تاب آوری در برابر شرایط اقلیمی؛ یک مرکز تأمین مالی برای کمک به خانواده ها و جوامع فقیر، از جمله خانواده های خارج از برنامه مرکزی، مقابله بهتر با شوک های گذرا؛ و شیوه های هدف گیری که کمک می کند اکثر خانواده هایی که بیشتر نسبت به شرایط اقلیمی آسیب پذیر هستند به طور کامل از برنامه های ایمنی بهره مند شوند. برنامه PSNP به خانواده های فقیر اجازه می دهد تا از برنامه انتقال پول نقد مطمئن، منظم و قابل پیش بینی دولت بهره مند شوند، که از آنها در برابر آثار بلایای طبیعی محافظت می کند و مدیریت محیط زیست طبیعی را که به این خطرات کمک می کند، بهبود می بخشد. شواهد نشان می دهد که معیشت در میان ذینفعان اصلی ثبات دارد و عدم امنیت غذا در میان این خانوارها در حال کاهش یافتن است (بانک جهانی، ۲۰۱۳).

⁶ . Ethiopia's Productive Safety Net Program

⁷ . Bangladesh's Chars Livelihoods Programme

برنامه بهبود معیشت چارز بنگلادش (CLP) یک برنامه بزرگ حفاظت اجتماعی و کاهش فقر در سطح منطقه است که هدف آن حفاظت و ارتقاء فرصت های معیشت، در عین حال تقویت تاب آوری جمعیت هدف خود نسبت به خطرات طبیعی و تغییرات اقلیمی است. برنامه CLP با خانواده های بسیار فقیر در کرانه رودها یا جزیره ها در شمال غربی بنگلادش کار می کند که به طور خاص در برابر سیلاب های فصلی سالانه و همچنین رویدادهای شدید سیلاب قرار دارند. برنامه CLP از ترکیب کارهای عمومی متمرکز بر کاهش خطر سیل، انتقال دارایی ها (پول نقد و غیره)، آموزش های مربوط به معیشت، توسعه بازار و فعالیت های توسعه اجتماعی برای دستیابی به اهداف خود استفاده می کند. برنامه CLP خدمات پس از فاجعه و کمک به بازیابی برای حفاظت و بازگرداندن دارایی ها و درآمد شرکت کنندگان از طریق برنامه فراهم می کند. این برنامه همچنین شامل اندازه گیری نتایج فاجعه و تاب آوری اقلیمی در سیستم های نظارت و ارزیابی خود است (بانک جهانی، ۲۰۱۳f).

در حالی که برخی تجربیات خوب در حال ظهور هستند، بسیاری از کشورها به طور سیستماتیک از برنامه های حمایت اجتماعی استفاده می کنند تا بتوانند قبل از وقوع حادثه خطرها را مدیریت کنند و به طور موثر به خطرات طبیعی پاسخ دهند. در بسیاری از کشورها، "سیستم های" حفاظت اجتماعی موجود، شامل تعدادی از برنامه های امنیتی کم و ضعیف هستند که عمدتاً در زمینه کمک های اضطراری کوتاه مدت متمرکز شده و توسط منابع اضافی موردی تامین می شوند.

یک چالش اضافی برای ایجاد سیستم های حفاظت اجتماعی که تاب آوری فاجعه و اقلیمی را افزایش می دهد، نیاز به رویکردهای بین رشته ای و همکاری در بخش ها و وزارتخانه

ها است. اغلب، همکاری کافی بین سازمان های حفاظت شهری یا سازمان مدیریت بحران و کسانی که برنامه های حفاظت اجتماعی را مدیریت می کنند، وجود ندارد. حتی زمانی که همکاری اتفاق می افتد، برنامه های حمایت اجتماعی می توانند نادیده بگیرند که مشخصات افرادی که به خطرات طبیعی آسیب پذیر هستند می تواند کاملاً متفاوت از مشخصات افراد همیشه فقیر مورد هدف برای کمک باشد. در نتیجه، هنگامی که برنامه های کمک های اجتماعی و انتقال پول به سوانح طبیعی سعی می کنند پاسخ دهند، بسیاری از افراد تحت تاثیر توسط برنامه های موجود شناسایی نمی شوند و به همین علت به خود واگذار می شوند. به طور سنتی، برنامه ها و مکانیسم های ملی واکنش به فاجعه شامل کنشگران رفاه اجتماعی نمی شوند. علاوه بر این، تلاش برای مقابله با تغییرات آب و هوایی معمولاً توسط آژانس های محیط زیست و وزارتخانه ها انجام می شود، که بیشتر هماهنگی را پیچیده می کند.

بنابراین، در حالی که ارتباطات مثبت بین سیستم های حفاظت اجتماعی و مدیریت ریسک فاجعه در اصل به خوبی درک می شوند، کار زیادی برای بهره برداری کامل از پتانسیل استفاده از برنامه های حمایت اجتماعی برای ایجاد تاب آوری در برابر فاجعه در سطح جامعه و در برابر شرایط اقلیمی باید انجام شود. سیستم های حفاظت اجتماعی که در حال حاضر قبل از وقوع شوک ها وجود دارند بهتر قادر به پاسخ هستند زمانی که یک رویداد رخ می دهد (کوریاکوس و همکاران، ۲۰۱۳؛ دیویس و همکاران، ۲۰۱۳). و همانگونه که نمونه هایی از اتیوپی و بنگلادش نشان می دهند ادغام ملاحظات مربوط به ریسک فاجعه و شرایط اقلیمی در برنامه ریزی و طراحی برنامه های حفاظت اجتماعی "می تواند به

⁸ . Kuriakose

خانواده‌های فقیر و آسیب‌پذیر کمک کند تا فقیرتر نشوند، ابتلای کلی آنها به خطرات را کاهش دهد و همچنین به سازگاری طولانی مدت با تغییرات آب و هوایی کمک کند" (کوریاکوس و همکاران، ۲۰۱۲).

افزایش تاکید بر کاهش خطر قبل از فاجعه، و یک استراتژی کارآمد پس از فاجعه می‌تواند کارایی هزینه‌های مصرف عمومی و خانوار را بهبود بخشد. اقدامات کاهش ریسک به خانواده‌ها، جوامع و ملتها اجازه می‌دهد تا دارایی‌های فیزیکی و انسانی خود را افزایش دهند و در نتیجه به رشد اقتصادی پایدار کمک کنند. بنابراین، همانطور که توسط هولزمن و یورگنسن (۲۰۰۰) مشاهده شد، هزینه‌های عمومی برای حمایت از اجتماع نه به عنوان هزینه‌ای برای جامعه بلکه می‌تواند به عنوان سرمایه‌گذاری در ساختن سرمایه انسانی به منظور ایجاد تاب‌آورتر ساختن جامعه به طور کلی مشاهده شود (همان؛ کوریاکوس و همکاران، ۲۰۱۲).

ارتقای زنان و گروه‌های در حاشیه به عنوان قهرمانان تاب‌آوری

جنس اشاره به انتظارات و هنجارهای اجتماعی-فرهنگی مرتبط با یک مرد یا یک زن بودن است. اغلب این انتظارات و هنجارها می‌تواند نابرابری را در توزیع قدرت، در فرصت‌های اقتصادی و در معنای عاملیت ایجاد کند. برابری جنسیتی نه تنها در معنای ذاتی حقوق اساسی بشر برای موقعیت برابر مهم است، بلکه در توسعه نیز مهم است. همانطور که گزارش جهانی توسعه ۲۰۱۲ نشان می‌دهد، برابری جنسیتی به سه شکل، اقتصاد هوشمند است. اول، از بین بردن موانعی که مانع دسترسی زنان به تحصیلات، موقعیتهای اقتصادی و ورودی‌های تولیدی (زمین، سرمایه و غیره)

⁹. Holzmann and Jorgensen

همانند مردان می شود، می تواند منافع بهره وری گسترده ای تولید کند. دوم، بهبود وضعیت زنان، بسیاری از نتایج توسعه دیگر، از جمله نتایج کودکان آنها را بهبود می بخشد. و سوم، همسطح کردن میدان بازی - جایی که زنان و مردان فرصتهای برابر برای فعال شدن از لحاظ اجتماعی و سیاسی، تصمیم گیری و سیاست گذاری دارند- منجر به نهادها و انتخابهای سیاسی با نمایندگی بیشتر و فراگیر می شود (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

مفاهیم مشابه برای مدیریت ریسک فاجعه اعمال می شود. زنان و دختران به علت حقوق، صدا و دسترسی به فرصت های اغلب نابرابر، به طور نامتناسب نسبت به مردان به تاثیرات بلایای طبیعی و تغییرات اقلیمی آسیب پذیرتر هستند. یک بررسی در سال ۲۰۰۷ در مورد ۱۴۱ حادثه طبیعی بین سال های ۱۹۸۱ و ۲۰۰۲ نشان داد که وقتی حقوق اقتصادی و اجتماعی به طور مساوی بین جنسیت ها توزیع می شود، میزان مرگ و میر ناشی از فاجعه بین مردان و زنان به طور قابل توجهی متفاوت نیست. برعکس، تفاوت های اجتماعی و اقتصادی منجر به افزایش میزان مرگ و میر زنان در هنگام وقوع حوادث طبیعی می شود (نیومایر و پلومپر، ۲۰۰۷). تجربه بنگلادش در سال ۱۹۹۱ با گردباد گورکی اثرات نابرابری جنسیتی را در برابر فاجعه نشان می دهد. از ۱۴۰۰۰۰ نفری که در اثر سیل درگذشتند، تعداد زنان ۱۴:۱ از مردان بیشتر بودند. این تفاوت قابل ملاحظه به میزان زیادی ناشی از هنجارهای اجتماعی بود که مانع از خروج زنان از خانه هایشان یا ماندن در پناهگاههای طوفان بدون یک خویشاوند مرد می شد؛ و پوشیدن لباس سنتی، در این مورد پوشیدن ساریها، که به سادگی می تواند در هنگام سیل دست و پاگیر باشد. زنان همچنین به علت نگرانی درمورد

حفظ حریم خصوصی و ایمنی در استفاده از پناهگاه های طوفان دو دل بودند.

مهم است که توجه داشته باشید که این شکاف در آسیب پذیری حتمی الوقوع نیست. تعداد افرادی که در بنگلادش در اثر گردباد سیدر در سال ۲۰۰۷ جان سپردند بسیار کمتر بودند (۳۰۰۰). در سالهای مداخله، این کشور تمرکز خود را از امداد رسانی و بهبود از فاجعه به شناسایی خطرات و آمادگی در برابر فاجعه مبتنی بر جامعه، هشدارهای زودهنگام و سیستم های تخلیه تغییر داده است. شکاف جنسیتی در حالی که هنوز هم بالا است، مرگ و میر به ۵: ۱ کاهش یافته است. دلایل این امر عبارتند از آموزش زنان به عنوان بسیج کننده های اجتماعی، دادن پیام های هشدار دهنده زود هنگام توسط زنان، به طوری که زنان دیگر احساس راحتی کنند و به هشدار توجه کنند و توسعه پناهگاه های طوفان با فضاهای ایمن و تنها برای زنان.

همانطور که بلایای طبیعی بیش از حد زنان را تحت تأثیر قرار می دهد، تلاش های پاسخ و بازیابی نیز می تواند نابرابری های موجود را تقویت کند (آرنولد و برتون، ۲۰۱۱). عدم درک ابعاد جنسیتی می تواند مانع توزیع عادلانه کمک های درمانی شود. برنامه های مورد نیاز برای بازیابی به طور سنتی مردان را بر زنان ترجیح می دهند؛ چرا که آنها اغلب مستاجران ثبت شده، صاحبان حساب های بانکی و سران خانواده ها هستند. نابرابری جنسیتی اغلب در فرآیند بازیابی به آسانی قابل پرداختن می باشد. به عنوان مثال، واگذاری خانه های تازه ساخته شده به نام هر دوی زن و مرد، شامل کردن زنان در طراحی مسکن و همچنین ساخت و ساز، حمایت از حقوق زمین برای زنان، ایجاد مهارت های غیر متعارف از طریق پروژه های تولید درآمد، توزیع کمک های امدادی از طریق زنان و تامین مالی گروه های

زنان برای نظارت بر پروژه های بازسازی فاجعه گام های عملی هستند که می تواند برای توانمند سازی زنان مورد استفاده قرار گیرد و حداقل از تقویت هر گونه نابرابری جنسیتی موجود جلوگیری کند.

تفاوت های جنسیتی مشابهی بین جنس ها در مورد اثرات تغییرات آب و هوایی بلند مدت وجود دارد (بانک جهانی، ۲۰۱۱a). شواهد تجربی از بنگلادش به مکانیسم های مقابله ای به لحاظ جنسیتی متفاوت برای سازگاری با سیل، فرسایش رودخانه و خشکسالی اشاره دارد (احمد، ۲۰۱۲). مکانیسم های مقابله ای مضر با تباین شدید در کنار خط جنسیت شامل کاهش مصرف غذا، مهاجرت درونی و ازدواج زود هنگام دختران می شود.

در حالی که توجه به ابعاد جنسیتی فاجعه و مدیریت ریسک شرایط اقلیمی مهم است، توانمندسازی زنان همچنین یک فرصت کلیدی برای ایجاد تاب آوری فراهم می کند. زنان اغلب طراحان و سازندگان تاب آوری جامعه در جوامع فقیر هستند. به عنوان مثال، تجارب زنان عادی که رهبری تلاش های بازسازی فاجعه را بر عهده دارند، افزایش یافته است که شامل تعامل آنها با مقامات محلی، ملی و منطقه ای برای اطلاع رسانی درباره توسعه سیاست ها و برنامه هایی هستند که از ایجاد تاب آوری حامی فقرا و مبتنی بر جامعه حمایت می کنند (آرنولد و برتون، ۲۰۱۱).

تحقیقات در مورد پروژه های توسعه مبتنی بر جامعه بانک جهانی نشان داد که این برنامه ها همچنین یک ابزار موثر برای توانمند سازی زنان در سطح محلی است که به نوبه خود منجر به مدیریت بهتر ریسک فاجعه می شود. به عنوان مثال، در جوامع روستایی اتیوپی و کنیا، ایجاد تنوع معیشتی- از طریق ایجاد حمایت ظرفیت ساز برای گروه های پس انداز و وام زنان- به جوامع در مدیریت ریسک های

مرتبط با چرخه خشکسالی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ با ایجاد درآمد، حفظ دارایی ها و بهبود امنیت غذایی کمک کرد. در این مورد، زنان نقش مهمی در رهبری داشتند که تا حدی ناشی از دیدارهای تبادلی بین مرز کنیا و اتیوپی بود.

در هند، ماموریت ملی معیشت روستایی نیز توجه زیادی به توانمند سازی زنان دارد، که برای تقویت گروه های خودیار زنان کار می کند و به تدریج تجربه با پس انداز و وامهای کوچک ایجاد می کند.

همچنین نمونه هایی وجود دارد که در آن توانمند سازی زنان برای رهبری در جوامع خود، به تاب آوری اقلیمی برای خانوارها و جوامع کمک می کند. مثلا در هند و نپال، وقتی بیش از یک سوم از افرادی که در کمپته های حفاظت از جنگل شرکت می کنند، زنان هستند، بازسازی جنگل بیشتر و استخراج غیر قانونی محصولات جنگلی کمتر است (اگاروال^۱، ۲۰۱۰). مطالعه در مورد هفت جامعه روستایی بولیوی نشان داد که در حالی که مردان بر روی سازگاری با تغییرات آب و هوایی با اقداماتی مانند گسترش تولید محصولات کشاورزی تمرکز می کنند، زنان بیشتر به پیشرفت های عملی و نوآورانه مانند جستجوی منابع جایگزین آب و کاشت محصول جدید می پردازند (اشویل^۲ و همکاران، ۲۰۱۱).

نمونه های متعددی از مزایای استفاده از رهبری زنان برای ایجاد تاب آوری در برابر فاجعه و شرایط آب و هوایی وجود دارد. همچنین فرصت های ضروری برابری برای درگیر کردن دیگر گروه های در حاشیه به عنوان عوامل فعال سازنده تاب آوری به جای دریافت کننده های حمایت یا گروه های آسیب پذیر برای مراقبت وجود دارند. جعبه ۴ نمونه ای از ژاپن درباره مشارکت سالمندان در بازسازی و ایجاد تاب آوری را فراهم می کند. بخش قابل توجهی از پیشینه و

1 . Agarwal

1

1 . Ashwill

2

راهنمایی نیز وجود دارد درباره نقشی کودکان و نوجوانان در تلاش های مدیریت ریسک فاجعه جوامع خودشان می توانند ایفا کنند (میچل^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۸؛ بنسون و باگ^{۱۴} ۲۰۰۷؛ AIDMI، ۲۰۱۰؛ والدن^{۱۵} و همکاران، ۲۰۰۹).

راه پیش رو

علیرغم دهه ها سرمایه گذاری بر سیاست ها و برنامه هایی برای کاهش خطر فاجعه، هزینه های اجتماعی و اقتصادی بلایای طبیعی به ویژه در جوامع فقیر در کشورهای در حال توسعه همچنان افزایش می یابد. با توجه به اینکه شرایط اقلیمی همچنان تغییر می کند، میلیون ها نفر از مردم فقیر با چالشهای بزرگتری از جمله، اثرات بهداشتی، امنیت غذایی، امنیت معیشتی، مهاجرت، امنیت آب، هویت فرهنگی و سایر خطرات مرتبط مواجه خواهند شد. برای حل این مسئله، هر گونه ابتکارات جهانی، ملی و منطقه ای نیاز به تمرکز بیشتری بر روی فقر و رفع علل آسیب پذیری دارد. دولت های ملی باید در مقیاس بزرگتر از هر زمان دیگری کار کنند و باید از ایجاد تاب آوری در مناطقی که تاثیرات بیشتر احساس می شود حمایت کنند.

چه اتفاقی باید بیفتد؟ چهارمین نشست جهانی برای

کاهش خطر فاجعه در ماه مه ۲۰۱۳ شامل بیش از ۴۰ مشاوره در مورد چارچوب پس از سال ۲۰۱۵ برای کاهش خطر فاجعه بود. بحثها در مورد آنچه که در HFA2 باید تاکید شود، تعدادی مفاهیم کلیدی را شامل می شد، از جمله: اهمیت مشارکت در سطح جامعه؛ هدف قرار دادن و شامل کردن آسیب پذیر ترین اقشار؛ زنان به عنوان رهبران؛ کودکان و نوجوانان؛ و، حاکمیت، پاسخگویی، شفافیت و مشارکت همه

1 . Mitchell 3
1 . Benson and Bugge 4
1 . Walden 5

جانبه (UNISDR، ۲۰۱۳). بر اساس رویکردها و تجربیات بررسی شده در این مقاله، می توان چند عامل خاص را برای نه تنها HFA2، بلکه هر گونه ابتکار یا سیاست در مقیاس بزرگ دیگر که به منظور رفع و کاهش ریسک فاجعه و کاهش ریسک های احتمالی مورد استفاده قرار می گیرد پیشنهاد کرد، به گونه ای که فراگیر و در نتیجه موثر باشد.

مشارکت جامعه در برابر رهبری جامعه

"مشارکت" جامعه می تواند به معنای چیزهای زیادی باشد، از به اشتراک گذاشتن اطلاعات پروژه با جوامع آسیب دیده، تا مشورت های جامعه، تا رویکردهای مشارکتی بیشتری که به کنترل جامعه بر منابع و تصمیم گیری می انجامد. جوامع باید به عنوان شرکای ارزشمند در ابتکارات مدیریت ریسک فاجعه و شرایط اقلیمی به رسمیت شناخته شوند و نه فقط ذینفعانی که گیرندگان اطلاعات و پروژه ها هستند. جوامع فقیر سالها تجربه برخورد با فاجعه های "روزمره" محلی و مکرر را دارند که نتیجه فقر مداوم، تخریب محیط زیست، به حاشیه راندن اجتماعی و سایر عوامل غیر مرتبط با خطرات طبیعی یا تغییرات آب و هوایی است. استراتژی هایی که جوامع برای مدیریت ریسک استفاده می کنند، توسط حکومت ها و شرکای توسعه غالباً درک نمی شوند و یا نادیده گرفته می شوند. تلاش های بین المللی و ملی باید مشارکت با رهبری جامعه را با دولت ها ترویج دهد تا تلاش های مدیریت ریسک فاجعه به نیازها و اولویت های محلی پاسخ دهد.

رسیدن به مقیاس

دولت های ملی و شرکای توسعه در حال حاضر پشتیبانی قابل توجهی از توسعه جامعه محور، صندوق های اجتماعی، شبکه های ایمنی و سیستم های عملیاتی مربوطه را فراهم می کنند که می توانند به عنوان ابزار مفیدی برای ارتقاء تاب آوری در سطح جامعه نسبت به خطرات فاجعه و مخاطرات اقلیمی کمک کنند. برنامه های توسعه مبتنی بر جامعه و سیستم های حمایت اجتماعی، منابع را مستقیماً در دست خانوارها، جوامع و دولت های محلی قرار می دهند. آنها توانایی رسیدگی به هزاران جوامع و میلیون ها نفر از مردم فقیر را به طور مستقیم با حمایت از مدیریت فاجعه و مدیریت ریسک اقلیمی دارند. برنامه های گسترده توسعه مبتنی بر جوامع و برنامه های حمایت اجتماعی که در حال حاضر طراحی شده یا اجرا می شوند می توانند وسیله ای قدرتمند برای کاهش خطرات فاجعه و فعالیت های واکنشی که اغلب مورد نیازند باشند (i) سازگاری ساده با مراحل عملیاتی؛ و (ii) منابع اضافی که می تواند کمک های موجود جامعه را افزوده کنند.

بازاندیشی و توانمندسازی گروه های آسیب پذیر

تعدادی از گروه ها هستند که به طور نامناسب تحت تاثیر خطرات طبیعی و تغییرات آب و هوایی قرار می گیرند، از جمله زنان، کودکان، سالمندان، افراد معلول و افراد بومی. این گروه ها باید در همه سیاست ها و برنامه های کاهش خطر و مدیریت ریسک فاجعه مورد توجه قرار گیرد تا آسیب پذیری های خاص آنها مورد توجه قرار گیرد. مهمتر از همه، با این حال، فرصت توانمند ساختن گروه های در حاشیه به عنوان رهبران ایجاد تاب آوری نباید از دست برود. زنان اغلب در تصمیم گیری و دسترسی به منابع برای مدیریت ریسک فاجعه به حاشیه رانده می شوند. اما با توجه به نقش

رهبری قوی در خانواده و جامعه، این مهم است که آنها در ایجاد تاب آوری در سطح جامعه شرکت کنند. تعهد به تخصیص حمایت به توانمند سازی زنان به عنوان قهرمانان "تاب آوری" به دولت ها فرصت می دهد تا ریسک را به طور موثر تر مدیریت کنند و در عین حال، تغییر اجتماعی مثبتی را در مورد عدالت جنسیتی ترویج کنند. به طور مشابه، مردم بومی، سالمندان، جوانان و کودکان همه دارای دیدگاه های منحصر به فرد و ارزشمندی در مورد مدیریت ریسک فاجعه هستند که می توانند برای ارتقاء تاب آوری جامعه فراگیر به کار گرفته شوند.

Reference : GFDRR

Authors: Margaret Arnold and Sergio de Cosmo

www.iraniansocialworkers.ir